



دو فصلنامه اختصاصی مطالعات فرهنگی «خط‌مشی‌گذاری در فرهنگ»  
سال اول، شماره اول، پیاپی ۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

صص ۳۵۰-۳۳۷؛ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۵

## نقش فرهنگ بر نهاده‌ها: عدالت از دیدگاه اسلام

زینب درویشی<sup>۱</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ‌گویی و تحلیل سؤال "ظرفیت‌های فلسفه در حل چالش‌های معاصر چیست؟" شکل گرفته است. در این مقاله رابطه فرهنگ و عدالت به‌عنوان دو مقوله مهم و تأثیرگذار بررسی شده است. فرهنگ به معنای شیوه زندگی انسان است و فعل و انفعالی است که حیات سیاسی و اجتماعی، فردی به‌ویژه روان انسان‌ها در می‌گیرد و به همین خاطر دغدغه فکری همیشگی مردم و اندیشه‌ورزان و کارگزاران سیاسی و فرهنگی بوده است. با مراجعه به مفهوم حقوق طبیعی حقوقی است که خداوند و آفرینش در وجود انسان به ودیعه نهاده است معنا می‌شود. عدالت اعطای حق هر صاحب حق به خود او تلقی می‌شود. هر استعداد خدادادی که در انسان وجود دارد مبنای یک حق طبیعی است که مجموعه آن حقوق طبیعی انسان را می‌سازد و بقا و استمرار جوامع انسانی و به‌ویژه انسانی را می‌توان گفت مشروط بر عدالت است. مسائل مهمی چون چستی عدالت و فرهنگ و نوع نسبت این دو با هم و به چه کار هم می‌آیند. به‌ویژه این مسئله که عدالت در تعاملات فرهنگی چه نقش و کاربرد عملی می‌تواند داشته باشد، از مهم‌ترین مسائل فکری است که در این مقاله به آن می‌پردازیم.

**کلیدواژه‌ها:** عدالت، فرهنگ، عوامل فرهنگی، عدل، اسلام.

<sup>۱</sup> - هیات علمی گروه معارف، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. [zdarvishi560@gmail.com](mailto:zdarvishi560@gmail.com)



## ۱. مقدمه

بزرگ‌ترین آرمان‌های بشری در طول تاریخ زندگی او عدالت بوده است. همچنین فرهنگ به‌عنوان بستری است که زندگی انسان در آن جریان دارد و بر روی ابعاد مختلف آن تأثیرگذار است. فرهنگ، محتوای درونی و چارچوب ذهنی افراد یک جامعه را تشکیل می‌دهد. شخصیت افراد جامعه از فرهنگ خاص جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند متأثر است و سبک زندگی افراد که به شکل آداب و سنن و هنجارهای اجتماعی بروز و ظهور می‌کند، از اعتقادات و مایه‌های درونی آن‌ها است؛ بنابراین فرهنگ دو سطح ذهنی و مادی دارد. به این صورت که سطح ذهنی آن زیربنا است و تغییر در آن موجب تغییر در سطح مادی می‌شود. برخی از فیلسوفان قرن بیستم، انسان را حیوانی فرهنگی نامیده‌اند. بدین ترتیب فرهنگ نیز همانند عدالت در زندگی اجتماعی انسان دارای اهمیت بسیار زیادی می‌باشد. عرصه‌های زندگی انسان قلمرو تأثیر و تأثر عوامل متعدد می‌باشد. عدالت نیز به‌عنوان یکی از آرمان‌های بشر تحت تأثیر عوامل گوناگونی از قبیل وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قرار می‌گیرد و همچنین بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر عدالت در جامعه فرهنگ انسان می‌باشد. هدف ما در این مقاله بررسی نقش عامل فرهنگ در نهادینه شده عدالت در جوامع بشری است. در این نوشته به دنبال این هستیم که بدانیم فرهنگ چگونه عدالت را در جوامع بشری تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؟

## ۲. پیشینه

درخصوص موضوع نقش فرهنگ بر نهادینه‌شدن عدالت از دیدگاه اسلام برخی آثار مکتوب وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- عزیز دوست نوشفق (۱۳۹۳) مقاله‌ای تحت عنوان پیشرفت فرهنگی و معنوی: آزادی و عدالت در همایش کنگره پیشگامان پیشرفت ارائه دادند که در آن به رابطه و نقش پیشرفت فرهنگی در آزادی و عدالت پرداخته شده است که کاملاً از موضوع بنده دور می‌باشد

۲- فاطمه همدانیان، طوبی شاکری گلپایگانی، محمد فرجی‌ها، بهار مهری (۱۳۹۸) مقاله‌ای تحت عنوان موانع فرهنگی دسترسی زنان به عدالت خانوادگی در شماره ۴ مجله مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی به چاپ رساندند که همانطور که از موضوع نمایان است با آنچه نگارنده در مقاله خود به آن توجه داشته است متفاوت است.



۳- احمد واعظی، احمد اولیایی (۱۳۹۹) مقاله ای تحت عنوان تأملاتی معرفت شناختی در باب عدالت فرهنگی در دوره ۸ شماره ۳ مجله اسلام و مطالعات اجتماعی به چاپ رسانده است که در آن بسط عدالت در حوزه فرهنگ، در کنار عدالت اقتصادی، عدالت سیاسی و... پرداخته است لکن به صورت تخصصی به موضوع مورد نظر نگارنده پرداخته است.

۴- محسن احتشامی نیا، احمد امینی کهریزسنگی (۱۳۹۷) مقاله ای با عنوان تحلیلی بر مستندات قرآنی عدالت فرهنگی در نهج البلاغه در دوره ۱۷ شماره ۵۸ مجله پژوهش های نهج البلاغه چاپ نموده است که در آن، عدالت را یک تکلیفی الهی که موجبات تعالی بشر در حوزه های مختلف زندگی را فراهم می کند و عتقد است ریشه اصلی عدالت را باید در درجه نخست در قرآن کریم و سپس در سخنان معصومین علیهم السلام به خصوص سخنان گهربار حضرت علی علیه السلام جستجو نمود. لکن با موضوع ما که به بررسی نقش فرهنگ در نهادینه شدن عدالت در اسلام است متفاوت است.

۵- موسی الرضا غربی، امین کوشکی، حسین عسکری چاورچی (۱۴۰۲) مقاله ای با عنوان مصرف موسیقی و نسبت آن با سرمایه فرهنگی: یک مطالعه کیفی در شهر تهران نگارش نموده که گرچه همه پژوهش های مذکور قابل ذکر می باشند لکن در هیچ یک از مقالات مذکور به موضوع مورد پژوهش نگارنده به طور خاص توجه نشده است. همان گونه که از این منابع بر می آید هر یک از این آثار، به بخشی از موضوع پرداخته است و از این جهت که در این مقاله به بیان نقش فرهنگ بر نهادینه شدن عدالت از دیدگاه اسلام پرداخته شده است و یک تحقیق کاربردی می باشد که در پژوهش های قبلی به آن توجه نشده است دارای نوآوری می باشد.

ابتدا به تعریف مفاهیم فرهنگ، و عدالت می پردازیم.

با توجه به اینکه مفاهیم فوق، مفاهیم مبنایی در مقاله حاضر هستند جا دارد در اینجا به تعریف مفاهیم کلیدی مهم پردازیم.

### ۳. تعریف فرهنگ

کنش های انسانی بر دو گونه عادت شده و زودگذر یا کنش های پایدار و ناپایدار تقسیم می شود و نیز این کنش ها معطوف به تولید مادی یا غیرمادی است. چگونه زیستن و نحوه کاربست تولیدات مادی مربوط به کنش های غیرمادی است. کنش انسانی می تواند عقلانی یا غیرعقلانی باشد. با عنایت به



این سه مفروض، فرهنگ به‌عنوان کنش انسانی عبارت از «مجموعه باورها و گرایش‌ها و سلیقه‌های نهادینه یا عادت شده غیرمادی عقلانی و غیرعقلانی» است.

اما از مفهوم فرهنگ تعاریف متعددی دارد. این مفهوم از جنبه‌های تاریخی، توصیفی، هنجاری، سازه‌ای و روان‌شناختی تعریف شده است. یکی از معروف‌ترین این تعاریف، تعریف ادوارد تایلور انسان‌شناس انگلیسی است که می‌گوید: "فرهنگ عبارت است از مجموعه درهم‌تنیده‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، آداب‌ورسوم، اخلاقیات، قانون و هر آن چه که انسان به‌عنوان عضوی از جامعه کسب می‌کند." (آشوری، ۱۳۸۰، ص ۶۷)

دکتر رضا داوری اردکانی "فرهنگ را نظام ثابت اندیشه و رفتار یک قوم یا یک ملت می‌داند." و خود استاد مطهری فرهنگ را "عبارت از فعل و انفعالاتی می‌داند که مبتنی بر فطرت در روان انسان صورت می‌گیرد." (مطهری، مرتضی، شرح مبسوط منظومه، جلد چهارم، ص ۱۲۶)

## ۴. عوامل فرهنگی

مؤلفه‌هایی که به لحاظ تحلیلی با اجزاء و عناصر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تمایز داشته باشند و به دلیل خصلت ذاتی‌شان، از جنس فرهنگ به شمار می‌روند، عوامل فرهنگی نامیده می‌شوند.

### ۴-۱. عدالت

عدالت در عام‌ترین معنا عبارت از قانون است. قانون همه مفاهیمی چون حق، موضع، اندازه، نظم، برابری، و حتی فضیلت را شامل می‌شود. زیرا قانون فضیلت است؛ بلکه مادر فضیلت‌ها است. با فرض تقسیم عوالم به عالم انسانی و عالم عینی یا تکوینی؛ تجلی و ظهور عدالت در عالم تکوین، نظم است و در عالم انسانی، شریعت است. پس عدالت به دو گونه تکوینی (نظم) و تشریحی تقسیم می‌شود.

یک: عدل تکوینی:

محور اصلی بحث در عدل تکوینی، نظام خلقت است و مبنای آن بر اساس عدالت بودن کل جهان خلقت اعم از آسمان‌ها و زمین و آنچه در آن‌هاست می‌باشد که همه بر اساس عدل‌وداد خلق شده‌اند و حتی در ترکیبات و اجزای آن‌ها نیز این توازن و تعادل برقرار است. اندیشمندان بر اساس مطالعات و بررسی‌هایی که انجام داده‌اند و از طریق برهان نظم این نوع عدل را که تحت عنوان عدل تکوینی از آن نام برده شده است اثبات نموده‌اند.



خداوند سبحان در آیه ۷ سوره مبارکه الرحمن درباره عدل تکوینی می‌فرماید: وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ أَسْمَانَ را برافراشت، و میزان و قانون (در آن) قرار داد. بنابراین، در تعریف این نوع از عدل باید گفت: عدل تکوینی به معنای رعایت تناسب و توازن بین استحقاق‌ها در افاضه وجود است. این نوع عدل در مقابل ظلم قرار دارد و از شئون علیم و حکیم بودن خداوند متعال می‌باشد.

دو. عدل تشریحی:

این نوع از عدل را باید در دو محور جستجو کرد:

عدالت در تشریح احکام، به معنای اینکه تکالیف و دستورات الهی بر مبنای عدل و داد استوار هستند، یعنی خداوند هم قدرت و توان و حد و حدود امکانات بندگان خود را در نظر گرفته است و هم به ظرفیت و توان انسان‌ها توجه داشته است که تکالیفی که برای او وضع می‌کند خارج از حد توان او نباشد و در نتیجه به واسطه فرشته وحی بر پیامبر نازل فرموده است و به او دستور داده تا پیام و دستوراتش را بدون کم و کاست به مردم برسانند.

در روز قیامت نیز بر اساس عدل و داد میان مردم قضاوت می‌شود چنان که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید «هیچ‌گاه به افراد نیکوکار و بدکار به یک چشم نگاه نمی‌کند و اگر گاهی گناهکاری را مورد عفو خود قرار می‌دهد؛ ولی هرگز به افراد مؤمن و صالح کیفر بد نمی‌دهد». (سبحانی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۷، ج ۲)

و همین‌طور در آیه ۶۲ سوره مبارکه مومن آمده است: وَلَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا و لَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ برای هیچ‌کس بیشتر از ظرفیت و توان او تکلیف تعیین نمی‌کنیم و نزد ما کتابی است که حق را بیان می‌نماید. (نامه اعمال) و به آن‌ها ظلم نمی‌گردد و هر کس پاداش عملی را می‌بیند که انجام داده است.

بنابراین، در تعریف عدل تشریحی باید گفت: عدل یعنی رعایت تساوی در زمینه استحقاق‌های متساوی و نفی هرگونه تبعیض و رعایت حقوق افراد و به هر صاحب حق، حَقِّش را اعطا کند؛ در نقطه مقابل این نوع از عدل، ظلم قرار دارد که به معنای این است که از پایمال کردن حقوق، تجاوز و تصرف در حقوق دیگران، جلوگیری شود و معنای حقیقی عدالت اجتماعی بشری نیز همین است. عدالت تشریحی بر دو چیز استوار است:

۱، حقوق و اولویت‌ها به این معنا که افراد بشر نسبت به هم نوعی حقوق و اولویت پیدا می‌کنند.



۲، خصوصیت ذاتی انسان، این است که او به گونه‌ای آفریده شده است که برای اینکه بتواند بهتر و راحت‌تر به سعادت خود برسد باید حقوق و اولویت‌ها در موردش رعایت شود.

عدالت نیز همانند مفاهیم بالا، مفهوم پیچیده و دشوار فهمی است. برداشت‌های گوناگون از عدالت و ارائه شیوه‌ها و راه‌حل‌های متفاوت برای تحقق آن نیز، معلول پیچیدگی مفهوم عدالت است. مفهوم عدالت و راه‌های تحقق آن در جامعه، از مباحثی است که همیشه در جوامع بشری مطرح بوده و تأملات فلسفی، اخلاقی، حقوقی و دینی فراوانی در باره آن صورت گرفته است. برداشت‌های ارسطویی، هابزی، فایده‌گرایانه و کانتی از عدالت، در کنار مباحثی که فیلسوفانی مانند جان رالز، رابرت نوزیک، فردریش فون هایک و یورگن هابرماس از عدالت کرده‌اند، از مهم‌ترین نظریه‌های عدالت به شمار می‌روند. در این میان نگرش دینی به عدالت، آن هم از زاویه خاص نگرش دین اسلام، جایگاهی برجسته در تحلیل مفهوم عدالت دارد. استاد مطهری مباحث مبسوطی را در باره عدالت و ابعاد و جنبه‌ای مختلف آن به رشته تحریر در آورده‌اند. ایشان در تعریف عدالت ضمن نقد برداشت‌های لیبرالی و سوسیالیستی، تعریفی طبیعت‌گرایانه و مبتنی بر مفاهیم فطرت و حق از این مفهوم به دست می‌دهند. عدل و ظلم از نظر ایشان مرتبط با حدود و حقوق اجتماعی مردم است که در واقع و نفس‌الامر هم حق و هم صاحب حق یک واقعیت خارجی است که اسلام دستورات خود را طوری تنظیم کرده است که هر حق به صاحب آن حق برسد و دستورات خود را بر طبق حق و عدالت تنظیم نموده است؛ بنابراین باید گفت عدالت اعطا کردن هر حقی به صاحب آن حق است. (مطهری، مرتضی، بیست گفتار، ص ۳۰)

از آنجا که در سطور آینده، به طور مبسوطی از عدالت بحث خواهیم کرد، فعلاً به همین اندازه اکتفا می‌کنیم.

## ۵. رابطه فرهنگ و عدالت در فرهنگ اسلامی

اسلام به‌عنوان آخرین و متکامل‌ترین دین الهی که جامع جمیع اسباب سعادت اخروی و دنیوی انسان است در طول تاریخ، فرهنگی اصیل را به وجود آورده است. در این فرهنگ به‌وسیله متفکران و علمای اسلام بحث‌های مختلفی درباره مسائل مهم زندگی انسان انجام گردیده و روشنگری‌های عمده‌ای صورت گرفته است. از جمله اینکه به مسئله عدالت به‌عنوان یک مسئله بسیار مهم پرداخته شده و ابعاد گوناگون آن روشن گردیده است. در فقه اسلامی از یک طرف و فلسفه اسلامی از طرف دیگر بحث‌های مبسوطی در باره عدالت ارائه شده است که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.



## ۵-۱. فرهنگ از دیدگاه اسلام

از نظر اسلام فرهنگ اسلامی در کلیت خود یک فرهنگ اصیل و ویژه است. این فرهنگ بنا بر اصالت خود از مفاهیم اساسی نیز تعبیری مخصوص به خود ارائه می‌کند. بدین ترتیب باید عدالت نیز به عنوان یک مفهوم اساسی و همچنین از نیازهای اصلی زندگی اجتماعی بشر در این فرهنگ تعبیر ویژه داشته باشد. استاد مطهری در کتاب آشنایی با علوم اسلامی در باره اصالت فرهنگ اسلامی می‌نویسد:

"فرهنگ اسلامی خود یک فرهنگ ویژه و مستقل است در میان فرهنگ‌های جهان با یک روح خاص و یک سلسله مشخصات مخصوص به خود. برای این که یک فرهنگ را بشناسیم که آیا اصالت و روح مستقل دارد و از روح و حیات ویژه‌ای برخوردار است و یا صرفاً ترکیبی است از فرهنگ‌های دیگر و احیاناً ادامه و استمرار فرهنگ‌های پیشین است، لازم است انگیزه‌ای حاکم بر آن فرهنگ، جهت و آهنگ رشد و همچنین عناصر برجسته آن را در نظر بگیریم. اگر فرهنگ... جهت و حرکت مخصوص به خود داشته باشد و حرکتش با آهنگ و حرکت سایر فرهنگ‌ها متفاوت باشد، عناصر ویژه‌ای داشته باشد و آن عناصر برجستگی خاصی داشته باشد، دلیل بر این است که آن فرهنگ اصالت و شخصیت دارد.

لازم به یادآوری است که برای اثبات اصالت یک فرهنگ و یک تمدن ضرورتی ندارد که آن فرهنگ از فرهنگ و تمدن‌های دیگر بهره نگرفته باشد؛ بلکه چنین چیزی ممکن نیست. هیچ فرهنگی در جهان نداریم که از فرهنگ و تمدن‌های دیگر بهره نگرفته باشد. سخن در مورد کیفیت بهره‌گیری و استفاده است. یک نوع بهره‌گیری آن است که فرهنگ و تمدن دیگر را بدون هیچ تصرفی در قلمرو خودش قرار دهد. اما نوع دیگر این است که از فرهنگ و تمدن دیگر تغذی کند یعنی مانند یک موجود زنده آن‌ها را در خود جذب و هضم کند و موجودی تازه به وجود آورد. فرهنگ اسلامی از این نوع دوم است. مانند یک سلول زنده رشد کرد و فرهنگ‌های دیگر را از یونانی و هندی و ایرانی و غیره در خود جذب کرد و به موجودی جدید تبدیل شد و با چهره و سیمایی مخصوص به خود ظهور و بروز کرد و به اعتراف محققان تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی در ردیف بزرگ‌ترین فرهنگ‌ها و تمدن‌های بشری است" (مطهری مرتضی، ۱۳۵۸، ص ۲۱)

حال که فرهنگ اسلامی فرهنگی اصیل است باید دید نخبگان و اندیشمندانی که با تکیه بر قرآن و وحی اسلامی به این فرهنگ موجودیت بخشیده‌اند و به طور مشخص شخص استاد مطهری چه تحلیلی از عدالت به دست می‌دهد.



## ۵-۲. تعریف عدالت از دیدگاه فرهنگ اسلامی

بر اساس فطرت، انسان‌ها صاحب حقوقی خاص هستند. در جوامع بشری، اگر انسان‌ها از حقوق طبیعی خود برخوردار شوند، عدالت محقق و در غیر این صورت به آن‌ها ظلم و ستم روا داشته شده است. استاد مطهری می‌نویسد: «از نظر ما، حقوق طبیعی و فطری از آن جا پیدا شده که دستگاه خلقت با روشن‌بینی و توجه به هدف، موجودات را به سوی کمالاتی که استعداد آن‌ها را در وجود آن‌ها نهفته است، سوق می‌دهد. هر استعداد طبیعی مبنای یک حق طبیعی است و یک سند طبیعی برای آن به شمار می‌آید» (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۱۴۸) در توضیح این مطلب باید گفت از آنجا که انسان‌ها دارای استعدادهای گوناگونی هستند، بنابراین دارای حقوق متعددی نیز می‌باشند و عدالت نیز عبارت از رسیدن هر صاحب حقی به حق خود می‌باشد. استاد مطهری در این رابطه چنین می‌نویسد:

«در باره عدل و ظلم هم، که مربوط به حقوق و حدود مردم است و یک موضوع اجتماعی است، این حساب پیش آمد. مطابق نظر عدلیه، در واقع، و نفس الامر، حقی هست و ذی‌حقی و ذی‌حق بودن و ذی‌حق نبودن خودش یک واقعیتی است، قبل از آنکه یکی به حق خود می‌رسد و یکی محروم می‌ماند، اسلام آمد و دستورهای خود را طوری تنظیم کرد که هر حقی به ذی‌حق خود برسد. اسلام دستورهای خود را مطابق حق و عدالت تنظیم کرد. عدالت یعنی "اعطاء کل ذی حق حقه" به این معنا که عدالت عبارت از دادن هر حقی به صاحب آن حق می‌باشد.»

بحث عدالت در آثار و نوشته‌های بسیاری از اندیشمندان اسلامی معاصر مطرح شده است، اما کمتر متفکری است که علاوه بر طرح تحلیل‌های نظری در باره عدالت به مکانیزم‌های اجرای عدالت در جامعه نیز اندیشیده باشد. استاد مطهری از آن دست متفکرانی است که علاوه بر موشکافی‌های عالمانه و فیلسوفانه در باره عدالت به سازوکارهای اجرا و تحقق آن نیز اندیشیده است. تمهیداتی که او برای تحقق عدالت در عمل پیشنهاد می‌کند، مکانیزم‌هایی مانند تربیت نمودن انسان‌های عادل، استفاده از ایمان به‌عنوان پشتوانه عدالت و قانون، توجه به تفاوت میان انسان‌ها و پرهیز از تبعیض و در نهایت توسل به "مسابقه بقا" به جای "تنازع بقا" را در بر می‌گیرد.

## ۵-۳. جایگاه عدالت و فرهنگ در قرآن کریم

قرآن کریم از مردم می‌خواهد تا در همه حالات و شرایط، یعنی چه در جایگاه داوری در میان مردم و چه در جایگاه گواه و شاهد و یا در حین حکومت کردن بر مردم و یا هنگام سخن گفت با





آن‌ها و یا در رفتار و برخورد با همسر و فرزندان جانب عدالت را نگه داشته و با عدالت برخورد نمایند و هرگز مرتکب افراط و تفریط نگردند. خداوند سبحان در قرآن مجید، آیه ۹۰ از سوره نحل فرموده است: «خداوند به دادگری، نیکوکاری و بخشش نسبت خویشاوندان امر می‌فرماید و از کار زشت و ناپسند و ستم منع می‌نماید. به شما پند و اندرز می‌دهد باشد که پند گیرید». از مسائل بسیار با اهمیتی که در قرآن کریم و احادیث مطرح شده است، میزان و یا ترازوی سنجش یا اندازه‌گیری اعمال انسان در روز قیامت می‌باشد. البته چگونگی این میزان و کیفیت آن، برای ما چنان که باید مشخص نیست، ولی آنچه مشخص و برای ما روشن است، این است که حتی ذره‌ی کوچکی از اعمال و کردار ما نیز در این ترازوی سنجش اعمال انسان در روز قیامت پنهان نیست و محاسبه خواهد شد و انسان پاداش یا کیفر آن را به تناسب عمل انجام شده دریافت خواهد کرد. خداوند در این زمینه نیز در آیه ۴۷ از سوره انبیاء فرموده است: «و ترازوهای عدل و داد را در روز قیامت می‌گذاریم، پس هیچ‌کس در هیچ چیزی ستم نمی‌بیند و اعمال اگر به اندازه‌ی یک دانه خردل باشد آن را می‌آوریم و کافی است که ما حسابرس باشیم».

خداوند متعال در بحث عدالت حتی کنیزان را نیز مورد توجه قرار داده است و در رعایت عدالت با آن‌ها پس از ازدواج سفارشات می‌نموده است. چنان‌که در آیه ۲۵ سوره مبارکه نساء آمده است: «... پس آنان را با اجازه خانواده‌هایشان به همسری خود در آورید و مهرشان را به طور پسندیده به آن‌ها بدهید...» و در رابطه با قضاوت و داوری در آیه ۱۸۱ از سوره مبارکه اعراف می‌فرماید: «و از بین کسانی که خلق نموده‌ایم گروهی هستند که هدایت و داوری به حق می‌نمایند».

در مورد فضایل اخلاقی که در قرآن کریم به آن‌ها اشاره شده است باید گفت، این فضایل موجب گشوده شده درهای خیر و رحمت خداوند و بهره‌مند شدن انسان از برکات و فیوضات ایشان است که ضمن برخورداری از حیات طیبه، بهشت جاودان را نیز در پی خواهد داشت. البته برای رسیدن به این هدف باید ایمان و عمل صالح و فضایل اخلاقی را با هم داشته باشیم از این رو خداوند متعال به طرق مختلف انبیاء و سایر انسان‌ها را به فضایل اخلاقی توصیه فرموده است. بعضی از این توصیه‌ها در آیات قرآن کریم و بعضی نیز در قالب روایات و احادیث قدسی برای ما فرستاده شده است. خداوند متعال در آیه ۱۹۹ از سوره مبارکه اعراف در مورد رعایت عفو و گذشت می‌فرماید: «گذشت پیشه کن و به کار پسندیده امر کن و از نادان روی برگردان». در سوره مبارکه توبه آیه ۷۱ نیز امر به معروف و نهی از منکر را مورد توجه قرار داده و فرموده است: «و مردان و زنان مؤمن دوستان هم هستند که یکدیگر را به کارهای پسندیده وادار می‌کنند و از کارهای زشت باز می‌دارند و نماز را برپا می‌کنند و



زکات می‌پردازند و...» رعایت حقوق ایتم نیز از موارد دیگری است که خداوند در آیات قرآن کریم سفارش بسیار فرموده است که از جمله آن آیات عبارت‌اند از: پناه دادن به یتیم (ضحی: ۶)، اطعام یتیم (انسان: ۸)، اکرام به یتیم (فجر: ۱۷)، حفظ مال یتیم (نساء: ۲)، احسان به یتیم (بقره: ۸۳)، انفاق به یتیم (بقره: ۲۱۵) و برخورد مناسب با یتیم (ضحی: ۹) می‌باشد. همچنین خداوند متعال عامل اصلی نقش‌بستن بخشش و سخاوت در انسان را ایمان معرفی نموده است و انسان‌ها را در تمام اوضاع و احوال چه در فقر و چه در غنا، در پنهان یا آشکار سفارش به پرداخت زکات و صدقه و صدقه نموده است. (توبه: ۶۰). همین‌طور پیامبر (ص) و همه انسان‌ها را به رعایت مکارم اخلاق سفارش فرموده است، تا آنجا که پیامبر اکرم (ص) هدف از بعثت خود را کامل کردن فضایل اخلاقی دانسته است. (مجلسی ۱۳۶۲ ج ۶۷، ص ۳۷۲). خداوند متعال نیز در آیه ۲۵ از سوره مبارکه حدید، هدف نبوت و رسالت را برپا نمودن عدالت معرفی فرموده است: «به‌درستی که پیامبران خود را با آیات آشکار فرستادیم و کتاب و میزان را به آنها نازل نمودیم تا مردم به انصاف برخیزند...».

#### ۵-۴. جایگاه عدالت و فرهنگ در سنت پیامبر اسلام (ص) و ائمه (ع)

گرچه در بیان مصداق و نمونه‌های رعایت عدالت و مساوات و همچنین رعایت اخلاق در سنت ممکن است کتاب‌های زیادی نگارش شده باشد که در اینجا مجال آوردن موارد مهم آن نیز نباشد. لکن در اینجا به‌اختصار برخی موارد از آن‌ها را که در حقوق اسلامی بیشتر کاربرد دارد ذکر می‌کنیم. از مواردی که مورد تأکید پیامبر اسلام (ص) و ائمه (ع) بوده است و در مورد آن سفارش فراوان نموده‌اند: الف) رعایت کردن عدالت چه در خشنودی و چه در خشم (کلینی ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۵)؛ ب) رعایت نمودن عدالت در قضاوت و داوری (مجلسی ۱۳۶۲، باب ۳۹، ص ۱)؛ ج) رعایت کردن عدالت در هنگام داد و ستد و به طور عام در کلیه امور فردی و اجتماعی است. حضرت علی (ع) که مظهر عدالت و صداقت و الگوی تام اجرای عدالت در تمام دوران و اعصار بوده است در کتاب نهج‌البلاغه سفارشات و بیانات بسیار زیادی در مورد رعایت عدل به مردم و حاکمان فرموده‌اند:

محبوب‌ترین و عزیزترین بنده خداوند، بنده‌ای است که خود را به عدالت وادار نموده و سرآغاز عدالت او، بیرون راندن هوای نفس از دل و حق‌شناسی و عمل نمودن بر اساس آن است، کار نیکی وجود ندارد مگر اینکه آن را انجام می‌دهد و هر جا گمان خیری ببرد به سمت آن می‌شتابد (خطبه ۸۷).

از مصادیق دیگر که مورد سفارش پیامبر (ص) و ائمه (ع) است، رعایت انصاف و وفای به عهد می‌باشد (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۲، ص ۲۵)، صداقت در زبان، شرم و حیا داشتن از امور ناپسند، خوش اخلاقی



با اهل خانواده و همه مردم، یتیم‌نواز بودن، رحم داشتن نسبت به ناتوان، نیکی کردن به پدر و مادر و رعایت نمودن حق خدمتکاران است (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱۰۱، ص ۲۷۶).

امام خمینی نیز در مورد مصادیق رعایت نمودن عدالت، عدالت اجتماعی را به معنای رعایت نمودن انصاف، و همچنین از بین بردن نظام‌های ناعادلانه‌ای که در آن‌ها توده‌های عظیم مردم از حق خود محروم هستند و جایگزین نمودن نظام عادلانه‌ای که در آن مردم بر اساس لیاقت، ظرفیت و شایستگی‌های خود از حقوق اجتماعی بهره‌مند باشند. حضرت امام (ره) به‌عنوان یک اسلام‌شناس جامع که حکومت اسلامی را بر اساس تعالیم و مبانی دین اسلام پایه‌گذاری نمود، نسبت به موضوع عدالت اجتماعی تأکید فراوان دارد و در سخنان گهربار خود و کتب و نوشته‌های مکتوبی که از ایشان وجود دارد پیرامون این مسئله مطالب بسیاری وجود دارد. یکی از نمونه‌هایی که می‌توان ذکر کرد مجموعه صحیفه ایشان است که در ۲۲ جلد موجود است که از واژه عدالت اجتماعی ۴۷۱ مورد در آن مجموعه آمده است (جمشیدی، ص ۳۵۷). البته ایشان جنبه عام عدالت اجتماعی را در نظر گرفته است که می‌توان گفت حوزه‌های دیگر مانند فرهنگ، حقوق و سیاست را نیز در بر خواهد داشت. اما در تفکر امام اساسی‌ترین و مهم‌ترین مفهوم عدالت اجتماعی به حوزه اقتصاد و معیشت جامعه مربوط می‌گردد. از طرف دیگر، در موارد زیادی همه افراد جامعه و اقشار مختلف را در برابر احکام و مقررات اسلام برابر دانسته است و تأکید نموده است که اسلام برای همه مردم است و مختص قشر خاصی نیست و در اسلام تبعیض وجود ندارد و همه نزد اسلام برابر هستند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۷۸).

## ۶. ارتقای فرهنگ عدالت جویی

می‌توان گفت در اسلام و مذهب شیعه فرهنگ عدالت جویی، دارای سابقه ای طولانی است؛ اما به نظر می‌آید پس از دوره مشروطه این امر مهم، کمرنگ شد و جای خود را به طلب آزادی داد؛ اگرچه این دو ارزش در کنار هم هستند، اما مهم این است که مردم به کدام یک از این دو ارزش بیشتر توجه دارند. در اینجا برای اجرایی کردن این امر، دو راهکار ارائه می‌دهیم:

راهکار نخست. تکاپوی رسانه‌ها می‌باشد: یکی از وظایف مهم و اساسی رسانه‌ها این است که مردم را به ارزش‌های اسلامی سوق دهند، و همچنین فرهنگ عدالت جویی را در بین آن‌ها نهادینه سازند. رسانه باید به‌صورت مستقل، ارزش‌های حاکم بر جامعه را آسیب‌شناسی نموده و ضرورتی ندارد که بخواهد آن‌ها را توجیه و یا اینکه حتماً از آن‌ها تبعیت نماید؛ بلکه باید به اقتضای ضرورت جسورانه و



خیرخواهانه آسیب‌های موجود در جامعه را بیان کند و این نباشد که صرفاً به توجیه عملکرد دولت پرداخته و مُبَلِّغ حاکمیت باشند. رسانه‌ها وظیفه دارند بازتاب‌کننده مشکلات مردم باشند و در مواردی که ناعدالتی در جامعه صورت می‌گیرد سخنگوی مردم و آشکارکننده آن در جامعه باشند. زیرا اگر رسانه‌ها از فقر و ناعدالتی‌های موجود در جامعه سخن بگویند و مطالبه‌گر باشند، قطعاً مسئولان را به اجرای عدالت وادار نموده و تلاش آن‌ها را برای رفع مشکلات مردم مضاعف می‌نمایند و همچنین فرهنگ عدالت‌خواهی و مطالبه‌گر بودن را در جامعه نهادینه می‌نمایند.

اصحاب مطبوعات باید، نگاه خود را به اهداف بالاتر جامعه معطوف کنند؛ نه وقت خود را صرف افزایش شمارگان کنند و در جهت فضای زودگذر و سطحی جامعه حرکت و تلاش نمایند. واژه روزنامه‌نگاری زرد به معنای نوعی روزنامه‌نگاری مبتنی بر جنجال است، که هدف آن جلب توجه و احساسات گذرا می‌باشد و در کل توجهش معطوف به افزایش تیراژ روزنامه است... یکی از ویژگی‌های بارز این نوع مطبوعات این است که در جهت توجه به نیازهای سطحی مردم و افزایش تیراژ روزنامه خود حرکت می‌کنند و از تحت‌تأثیر جریان‌ات روز جامعه هستند و هیچ‌وقت جریان خاصی را در جامعه نتوانسته‌اند ایجاد نمایند. (شکرخواه، ۱۳۸۲، ص ۵-۸) می‌توان گفت این گونه مطبوعات، هرگز نمی‌توانند بحث عدالت را در جامعه به طور جدی مطرح و نهادینه کنند.

راهکار دوم، تلاش و تکاپوی دولتمردان: باید گفت همه موارد مذکور در صورتی تأثیرگذار خواهد بود که حاکمان و دولتمردان هم در جهت مطالبه عدالت، و توجه به آن از روحیه انتقادپذیری و سعه صدر برخوردار باشند و از نقد و مطالبه استقبال کنند. آنان باید سعی نمایند که آستانه تحمل خود را افزایش دهند و مطالبه‌گری و عدالت‌خواهی از طرف مردم را امری پسندیده و خجسته تلقی نمایند. نباید حاکمان جامعه اسلامی انتظارشان از مردم و رسانه‌ها این باشد که همه سیاست‌های آن‌ها را تأیید و تبلیغ نمایند؛ بلکه باید به آن‌ها فرصت دهند که مطالبه‌گر حق و حقوق جامعه باشند و نسبت به امور جامعه بی‌تفاوت نباشند. امام خمینی، به‌خوبی به این امر توجه داشته است و به فرموده خود ایشان نسبت به اینکه هرگاه رادیو و یا تلویزیون را روشن می‌کرده نام او آورده شود تمایل نداشته است و از این کار به‌جز در موارد ضرورت و در حد متعارف، متنفر بوده و آن را کار غلطی پنداشته است و به بیان ایشان این کار به ضرر مطبوعات است و موجب سبک شدن مطبوعات می‌گردد. از نظر امام شخصیت هر کسی با خودش است و با زیاد مطرح کردن در رسانه زیاد نمی‌گردد و ترجیح می‌دهند به‌جای عکس وی عکس یک رعیت گذاشته شود و زیر آن عکس بنویسند، این رعیت چه کار مهمی انجام داده است. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۳) این گونه تفکر، اساس اندیشه و عمل دولتمردان نظام



اسلامی است و بهترین مجوز و مشوق صاحبان رسانه برای عمل به رسالت واقعی آن‌ها است تا بتوانند بازتاب‌کننده خواست مردم جامعه خود باشند و فرهنگ عدالت‌خواهی و درخواست مردم از زمامداران جامعه به تدریج در ذهن مردم نهادینه کنند.

## ۷. نتیجه

حاصل آنچه گفته شد درباره رابطه فرهنگ و عدالت باید گفت عدالت در بقا و تداوم جامعه‌های انسانی نقش زیربنایی دارد و از طرفی فرهنگ زیربنای نهاده‌ها شدن عدالت در جوامع می‌باشد. عدالت همچنین به منزله پایه و ستون‌های نگهدارنده جامعه انسانی است. روشن است که جامعه‌ای که می‌خواهد باقی بماند، ممکن نیست که بدون اینکه بر محور عدالت بچرخد و حقوق مردم در آن جامعه محفوظ باشد، باقی بماند. عدالت اعطای حق هر صاحب حق به خود او تلقی می‌شود. هر استعداد خدادادی که در انسان وجود دارد مبنای یک حق طبیعی است که مجموعه آن حقوق طبیعی انسان را می‌سازد و بقا و استمرار جوامع انسانی و به‌ویژه انسانی را می‌توان گفت مشروط بر عدالت است و فرهنگ زمینه‌ساز نهاده‌ها شدن عدالت در جوامع انسانی می‌باشد.

## فهرست منابع

- قرآن کریم.  
 نهج البلاغه.  
 آشوری، داریوش. (۱۳۸۰). *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*. چاپ اول، ویراست سوم، انتشارات آگاه، تهران.  
 امام خمینی، سیدروح‌الله. (۱۳۸۵). *صحیفه امام*. (۲۲ جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، چاپ چهارم.  
 جمشیدی، محمدحسین. (۱۳۸۰). *نظریه عدالت از دیدگاه ابونصر فارابی*. امام خمینی و شهید صدر. پژوهش‌کننده امام خمینی و انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران.  
 سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۸۴). *الهیات و معارف اسلامی*. نشر امام صادق (ع)، تهران.  
 شکرخواه، یونس. (۱۳۸۲). *نشریات زرد و اخلاق رسانه‌ای*. یاس نو.  
 کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۳ق). *اصول کافی*، با ترجمه و شرح حاج سید جواد مصطفوی، بیروت: دارالاضواء انتشارات علمیه اسلامیة.



- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۲). *بحار الانوار*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۸). *آشنایی با علوم اسلامی*. قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۸). *بیست گفتار*. انتشارات صدرا، قم.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷). *نظام حقوق زن در اسلام*. انتشارات صدرا، قم.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). *عدل الهی*. تهران: انتشارات صدرا، چاپ هشتم.

# **The Role of Culture on the Institutionalization of Justice from the Perspective of Islam**

Zeinab Darvishi<sup>1</sup>

## **Abstract**

The present study was formed with a descriptive-analytical method in order to answer and analyze the question "What are the capacities of philosophy in solving contemporary challenges?" In this article, the relationship between culture and justice is examined as two important and influential categories. Culture means the way of life of a person and is an interaction that political and social life, individual, especially the psyche of humans, takes place. And for this reason, it has been a constant intellectual concern of people, thinkers, and political and cultural agents. By referring to the concept of natural rights, it is understood as rights that God and creation have deposited in the existence of man. Justice is considered to be granting the right of each right holder to himself. Every God-given talent that exists in man is the basis of a natural right, the set of which constitutes the natural rights of man, and the survival and continuity of human societies, and especially human societies, can be said to be conditioned by justice. Important issues such as the nature of justice and culture, the type of relationship between the two and what they are used for. In particular, the issue of what role and practical application justice can have in cultural interactions is one of the most important intellectual issues that we will address in this article.

**Keywords:** globalization, cultural diplomacy, state support, Sannadaj public organization's.

---

1 . Faculty of Education, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran, zdarvishi560@gmail.com